

غزل شماره ۴۲۴

از من جدا شو که توام نور دیده‌ای
آرام جان و مونس قلب رمیده‌ای

از دامن تو دست ندارند عاشقان
پیراهن صوری ایشان دیده‌ای

از چشم بخت خویش، مبادت گزند از آنک
در دلبری، به غایت خوبی رسیده‌ای

منعم مکن ز عشق وی ای مفتی زمان
معذور دارمست که تو او را ندیده ای

آن سرزنش که کرد تو را دوست حافظا
بیش از کلیم خویش مکرپاکشیده ای

تفسیر فال

اینقدر سنگدل نباش و اجازه نده که احساسات منفی تو را از عشق و محبت به دیگران دور کند. غرور کاذب خویش را دور بریز و بر این نکته تاکید کن که در زندگی انسان‌هایی هستند که تو را بسیار دوست می‌دارند و برایشان ارزشمندی. در این میان، تو نیز می‌توانی با بخشش و محبت خود به آنان پاسخ دهی. اگر غفلت کنی و به احساسات دیگران بی‌توجه باشی، ممکن است در آینده خود را سرزنش کنی و حسرت لحظاتی را بخوری که

می‌توانستی با مهر ورزی پر کنی. زیاده‌روی در سخت‌گیری‌ها یا عدم ابراز محبت ممکن است باعث ضررهایی جبران‌ناپذیر شود و پشیمانی عمیق به بار آورد؛ بنابراین، یاد بگیر تا با گشاده‌دستی قلبت را باز کنی و لحظات دلنشینی برای خود و دیگران خلق نمایی.

به کوشش : [پارسی‌دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)